

شاه به تنهایی  
ایران را آباد نکرد  
ملت ایران با تلاش  
زیاد کمکش کرد

# بیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۱۱۵ کانون خردمداری ایرانیان  
سال بیستم، مردادماه ۲۵۲۸ ایرانی - ۱۳۹۹ عربی

خمینی به تنهایی  
ایران را خراب نکرد  
ملت ایران با جانفشانی  
کمکش کرد

## جهان ما به کدام سوی می‌رود

به سوی گرفتاری‌های بیشتر، یا به سوی آرامش و رفاه بیشتر؟

## ایران ما به کدام سوی می‌رود

به سوی روزگار بهتر یا آینده‌ای تیره و تار و نامعلوم؟

## هر کدام این‌ها که رخ دهد

به دست انسان‌های خود هر کشوری صورت خواهد گرفت. لذا

تک تک ایرانی‌ها تا روز مرگ مسئول آینده‌ی کشور خود هستند.

وظیفه ملی بازنشستگی ندارد

اسماعیل وفا ینمایی

### در آن دو‌یست سال سکوت چه گذشت

تاریخ سرزمین ایران، اگرچه در قرن بیست و یکم میلادی و چهاردهم هجری است اما هنوز ما با مشکلاتی روبرو هستیم که در قرن هفتم میلادی یعنی قرن اول و دوم هجری درگیر بودیم. کشور ما غرق فرهنگی است که فرهنگ ما نیست، غرق خرافاتی است که زاینده مکتبی بیگانه است. مانده در رویه ۳

دکتر محمد علی مهر آسا

### رشوه از اصول دین اسلام است

بحث رشوه خواری و دزدی در ایران موضوعی نیست که در پنهان و خفیه مانده باشد؛ و چنان علنی است که خواجه حافظ شیرازی نیز پس از شش سده که از مرگش می‌گذرد، ممکن است از آن آگاه باشد و به راز و رمز این هنر ظریف متصدیان حکومت اسلامی ایران وقوف داشته باشد. برای این که

## رشوه از اصول دین اسلام است

شدت رشوه خواری و دزدی در حکومت آخوند و علمای دین اسلام روشن شود، نیازی به جستجو و مطالعه و کنکاش نیست زیرا مساله کاملاً حل شده است و جواب درست نیز در دسترس عموم است. باید دزدی و رشوه خواری را مانند یک فعل صرف کرد تا کمی از زیبایی‌اش پیدا شود.

من دزدم - تودزدی - او دزدی است - ما دزدیم - شما دزدید - ایشان دزدند. در سراسر میهن اسلام می‌درخشند.

یعنی آنکس که نمی‌دزدد راه دیگر پیدا کرده که حاصل زحمات ملت را بچاپد. و چون بالاخره یک کار اداری را شاغل است و با مردم سر و کار دارد، به‌جایش رشوه می‌گیرد تا از همکاران زرنگ خود پس نیفتد و کم نیاورد. مدتهاست که همگان رشوه خواری و دزدی را در میان دولتیان از کارمند جزء تا وزیر، یک امر بدیهی و عیان میدانند و به آن اشاره‌ها دارند. حتی برخی می‌گویند که دربان دم در اداره نیز تا وجهی نستاند اجازه ورود به ارباب رجوع نمی‌دهد!

یکی از این بزرگ رشوه خواران در دستگاه اسلام ناب محمدی آخوندی بوده است با سی زرع عمامه و بیست سانتی متر ریش که رشوه‌ای گرفته است که با توجه به دزدی‌های پسران خامنه‌ای چندان زیاد و چشمگیر نیست این طفلک تنها ۵۰۰ هزار یورو که معادل ۶۵۰ هزار دلار است رشوه دریافت فرموده و به اروپا گریخته است. زیرا یکی از کارمندان همان دستگاه قضائی ایران چون سهمش را نداده و در تقسیم دزدی و رشوه خواری سهمش نکرده‌اند گزارشی منتشر کرده و چندین نفر دزد و رشوه‌خوار را با نام و نشان و مبلغ بلعیده شده ذکر کرده و به آگاهی جهان رسانده است.

این رشوه خوار معممی است به نام «غلامرضا منصور» که در ضمن قاضی دستگاه دادگستری آخوندی بوده و رشوه را در شغل قضا دریافت فرموده است. قاضی غلامرضا منصور زمانی که دزدی و رشوه خواری‌اش بر ملا شد میهن را ترک کرد و به آلمان گریخت و مقیم آنجا شد. اما چون آلمان حکومتش به شدت دموکرات و مردم‌سالار است، آخوند ترسید و خیال کرد که امکان گرفتاری خواهد داشت و بهتر است مکان امن‌تری را انتخاب کند. به همین سبب به کشور رومانی رفت. اما آخوند طماع و دزد ملت نجیب ایران، سرانجام کشور رومانی را برای زندگی برگزیده است تا او را دستگیر و تحویل ندهند. اما بیچاره نمی‌دانست که گند کارهایش چنان بویی می‌گستراند، که هیچ کس یارای جلوگیری از آن بوی گند و خموش کردن شعله‌ی افروخته را

نخواهد داشت!

آخوند غلامرضا منصور در کشور رومانی در هتل محل اقامتش مُرده و پلیس جسد بی‌جان‌ش را پیدا کرده و به سردخانه سپرده است. اما قضیه بغرنج و غامض این است که آیا او را کشته‌اند و یا با رغبت خویش، خودکشی فرموده است. جراید ایران مرگش را خودکشی نوشته‌اند. البته واضح است که جراید ایران با نگاه به تصمیم و دیدگاه دولتمندان، امکان این که کشتنش توسط ماموران ایرانی را نادیده بگیرند و مرگ این آخوند را به خودکشی ربط بدهند فراوان است.

اما در این میان و در رابطه با چنین اتفاقی روزنامه اطلاعات درون ایران که توسط مشتی خرفت و بی‌سواد اداره می‌شود اظهار نظری فرموده است که به قول مردم عوام مرغ پخته را به‌خنده وا می‌دارد! اطلاعات در شماره روز ۲۱ ژوئن یعنی یکم تیر ماه ۱۳۹۹ خورشیدی شکر خورده و قند ریخته است و نوشته است: «پلیس رومانی باید ضمن ارائه مدارک و مستندات خودکشی قاضی منصور، در باره علت محافظت ناصحیح از او که منجر به مرگش شده است توضیح دهد!»

من تاکنون نمی‌دانستم که مسافر وارد شده از کشوری به کشور دیگر آن هم گریخته از دست اجرای عدالت، باید تحت مراقبت دولت آن کشور باشد و چندین کارآگاه چیره‌دست مرتب مراقب احوالش بوده و چندین پرستار سلامتی نیز او را تحت نظر داشته باشند که صدمه‌ای به وجود مبارکش نرسد! و اگر خدای ناخواسته ناخوش شد فوری پزشکی را بر بالینش حاضر کنند تا معالجه را بیاغازند و مسافر را از هر کشوری که هست تا برگشت به میهنش در امان نگه دارند.

ملای دزدی شیعی از طبقه چهارم هتلش خود را به زمین پرت کرده و درجا مُرده است. کارآگاه شهربانی رومانی از کجا می‌دانست که این دزد و رشوه خوار چنین دسته‌گلی را می‌خواهد به آب دهد تا چند تن پلیس را برای حفظ جان‌ش در اتاق محل اقامت حضرت آخوند مقیم سازد که ۲۴ ساعت مراقب رفتار این دزد ابله باشند. آخر نویسندگان اطلاعات اندکی شعور نیز برای شغل شما از واجبات است!

این قاضی بیدادگر سابقه خود را در دادگستری ایران به یاد داشت و می‌دانست که چه دسته‌گلی به آب داده و چه شیرین کاری‌هایی فرموده و چه عدالتی را گسترده است آنگونه که از کارهای رشوه خواری‌اش تنها خواجه شیراز بی‌خبر بود. بنا بر این یقین داشت هم دولت اسلامی در پی‌اش روان است تا مثلاً گوشمالش دهد! و هم مردمی که ستم این دادگر را به چشم و گوش دیده و شنیده‌اند آرزومند فنایش هستند!

در ویکی پدیا شرح حال این دزد را به تفصیل نوشته و از

## در آن دو‌یست سال سکوت چه گذشت.

مانده از رویه‌ی نخست

برای درک بهتر و در خاطر ماندن این جریان بیگانه سه خط موازی را در نظر بگیرید که این خطوط موازی از سال ۶۰ و ۷۰ هجری شروع شد.

خط اول حکومت های خلفای اموی و عباسی از معاویه تا آخرین خلیفه اموی و چند خلیفه عباسی. خط دوم خطی است که ایرانیان دنبال کردند و بر علیه امویان شورش هایی انجام دادند که اوج آن در جنبش ابومسلم تا دوره یعقوب لیث صفاری دیده می شود. خط سوم خطی است که امامان شیعه از امام چهارم زین العابدین بیمار تا امام یازدهم حسن عسگری و حتا پس از آنها با امام دوازدهم که ادعا می کنند محو شده و در کتاب معتبر تاریخی احمد الکاتب آمده اصلاً چنین کسی وجود نداشته ادامه دارد.

روی این سه خط ما می توانیم خودمان را ببینیم، تاریخ مان را ببینیم، آخوند ها و تشیع را ببینیم و سرانجام خلفای عباسی را. وقتی در آغاز سلسله بنی امیه آمد، بعد از چهار خلیفه اول، بنی امیه پای خودش را سفت کرد آنها بزرگترین امپراطوری دوران را تشکیل دادند که یک سرش روی مرزهای فرانسه بود، یک سرش مصر، یک سرش آن طرف هند و پاکستان تمام ایران تا قلب آفریقا. آنها ارتش های گوناگون داشتند ارتش خراسان، ارتش اسپانیا، ارتش مصر و... و که در هنگام نیاز از آنها استفاده می کردند. ما در حقیقت با یک امپراطوری بزرگ سر و کار داریم که حدود ۱۲ خلیفه در آن به حکومت رسیدند که جز دوتایشان که کمی نرم بودند یقیناً با قدرت حکومت کردند. تضاد بنی امیه با ایرانی ها مطلق بود چون حکومت اموی بر اساس برتری نژادی مطلق عمل می کرد، آنها عقیده داشتند عرب و قریش قوم برتر نیستند و به همین دلیل گوشت و پوست و استخوان کشورهای دیگر را که در چنگ شان بود و غیر عرب بودند می دیدند، با مالیات با سرکوب با خونریزی. و ایرانی ها همه ضد دولت امویان بودند و در داخل مرزهای عربی عباسیان و علویان نیز در تضاد با امویان بودند و خودشان را صاحب حق می دانستند. ایرانی ها یک مشکل دیگر هم داشتند بجز اینکه کشورشان غارت شده بود زیر سیطره عرب ؟؟؟؟ هم افتاده بودند. ایرانی ها از زمان علی گهگاه در موقعیت هایی سر به شورش گذاشتند و حتا ایرانی ها خلیفه دوم عمر را ترور کردند، تا اینکه می رسیدیم به پایان کار امویان. اینجا ما با ابومسلم خراسانی روبرو می شویم که مدتی به بردگی عرب ها گرفته شده بود او به شیعیان عباسی

دزدی هایش قلم به فراوانی زده است. اما من بخشی از آن نوشته را اینکه بازنویسی می کنم تا شما خوانندگان پی به ماهیت دین اسلام و مذهب شیعه که چنین معرف و مبلغی دارد بپسندید. ویکی پدیا نوشته است:

«او سابقه‌ی صدور احکام سنگین برای برخی فعالان رسانه‌ای و سیاسی در اواخر دهه هشتاد و اوائل دهه نود در کارنامه خود داشت. متهم به مشارکت در باند رشوه‌خواری در قوه‌ی قضائیه بود. پس از تشکیل دادگاه «اکبرطبری» معاون اجرائی صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه، نامش بر سر زبانها افتاد و مشخص شد در خارج کشور به سر می برد. به گفته مقامات قضائی او در مرداد ماه ۱۳۹۸ از کشور خارج شده بود»

«سپس گزارشی راجع به بازداشتش در رومانی منتشر شد. اما قاضی شهر بخارست پایتخت رومانی تصمیم به آزادی او گرفت. تا این که در سی خرداد خبر پیدا شدن جسدش در بیرون از هتلی در شهر بخارست خبرساز شد»

آنچه مایه اعجاب و در ضمن تأسف است آخوند بودن این دزد در وهله نخست و قاضی بودنش در مرحله بعد است که با این لباس که خودشان آن را کسوت پیامبر و علی می شناسند و معرفی می کنند، در شعل قضاوت و دزدی و رشوه‌خواری مشغول بوده است. با توجه به این امر مهم بی هیچ گونه تردیدی آنچه را که راجع به دزدی و ثروت اندوزی پسران خامنه‌ای می گویند و می نویسند اغراق نیست و با واقعیت کامل تطبیق دارد.

حضرت ولی امر مسلمین ایران نیز بر همین قاعده رفته است و از دزدی و رشوه‌خواری ثروت نجومی اش را به دست آورده است. ای وای به حال ملت گرسنه و بدبخت ایران که با انقلابش در سال ۱۳۵۷ خود را به جهنم سوزان درافکند و درمانده ابدی شد! بدبختی در این است کسانی که امروز از تنگ دستی و گرسنگی در هلاکند و از وضع اجتماعی ایران در سوز و گدازند ۹۰٪ شان در آن فتنه هیچ دخالتی نداشتند و کسانی هستند که بعد از آن بدبختی به دنیا پا گذاشته اند! چرا این نسل به خاطر حماقت گذشتگانش باید بسوزد و از ناچاری تنها راه چاره را در خودکشی بجوید و دریابد که مرتب در ایران اسلامی دیده می شود. کالیفرنیا دکتر محمدعلی مهرآسا

تا به حقوق دیگران به اندازه حقوق خود احترام نگذاریم در دوران بدوی و ابتدایی زمانه زندگی می کنیم

دانایی را باید در عمل نشان داد. ادعای بدون عمل کارناپذیران و واعظان است

زنان و دختران آخرین خلیفه را روانه خراسان کردند و فروختند، در بصره در خیابانها پیر و جوان و کودک شان را گردن میزدند و اجسادشان را می انداختند جلوی سگ ها و سگ ها بر سراجساد پاره پاره کسانی که تا دیروز وزیر و وکیل و فرمانده و فرماندار بودند با هم دعوا می کردند و در دمشق ۷۰ تن از بزرگان خاندان بنی امیه را جمع کردند و عبدالله ابن علی عباسی گفت با چماق آنقدر آنها را بکوبند تمام استخوانهایشان را خرد کنند و بعد با اجساد این ۷۰ تن صندلی درست کرد و بر آن نشست. خلاصه وحشی گری هایی که یاد آور کارهای امروز داعش (و جمهوری اسلامی) است انجام می دادند حتا بچه ها را کشتند تا چیزی از خاندان ابوی باقی نماند و این حاصل ۶۰ - ۷۰ سال ظلم این خانواده بود که فقط یک تن از آنها بنام عبدالرحمن نوه خلیفه موفق به فرار شد رفت اسپانیا، او در شهر «تولرو» توانست یک حکومتی ایجاد کند که حکومت او در اسپانیا تا سال ۴۲۲ میلادی ادامه یافت او تنها اموی بود که ۸۲ سال در اسپانیا حکومت کرد. پس از امویان عباسیان به کمک ایرانیان و ابومسلم به حکومت رسیدند اما - مانده در شماره‌ی آینده

پیوست، ابومسلم بسیار شجاع بود، شمشیرزنی قهار که به ایران عشقی عمیق داشت، بسیار هم بی رحم بود، سالی یکبار بیشتر همبستر با زنان نمی شد. در پایان حکومت امویان پرچم شورش را ابومسلم در دست گرفت و ارتشیدی سیاه جامگان را داشت، این در زمانی است که سال ۱۰۰ هجری و ابومسلم ۳۰ ساله بود. جریان فکری امام ششم شیعیان در همین زمان بود امام صادق که رهبری شیعیان را داشت و اهل مبارزه مانند ابومسلم نبود ولی پسر امام صادق زید جنگ آور بود و اهل رزم، در جنگی هم گشته شد. هم اکنون زیدی ها بیشتر در یمن و کمی هم در ایران هستند. در این زمان ایرانی ها در گوشه و کنار ایران مرتباً بر علیه امویان سر به شورش بر می داشتند برخلاف آنها که می گویند ایرانی ها با آغوش باز اسلام را پذیرفتند. بطوری که در سال ۱۲۹ هجری در قریه سفیدخ پرچمها افراشته شد و در یک روز ۶۰ روستا به ارتش ابومسلم پیوستند با بیل و کلنگ و تبر و چماق هایی که نام شان بود «کافروکوب» و ارتش ابومسلم در مدت کوتاهی به ۱۰۰ هزار نفر رسید که قامت افراشتند در برابر امپراطوری اموی، شرایط سیاسی و اجتماعی آماده بود. ایرانی ها در خشم بودند که آیین گذشته خود را از دست داده بودند.

بیشتر رزم آوران ابومسلم را هم کشاورزان تشکیل می دادند که مالیات های سختی بر مردم بسته و آنها را به بردگی گرفته بودند. باید رفت تاریخ طبری و یعقوبی و ابن اثیر را خواند تا فهمید اعراب چه بر سر ایرانیان آورده بودند. زورگویی، چپاول، سر بردن ها بیداد می کرده. این فشارها از همان آغاز از زمان عمر تا دوره عثمان و علی و معاویه ادامه داشت. این تئوری را که از آغاز خلیفه دوم گفته بود «ما آمدیم و ما مغلوبان حکومت خود را می خوریم و چون ما و مغلوبان دوران ما مردم فرزندان ما فرزندان مغلوبان خود را می خورند و این ادامه خواهد یافت» آخرین خلیفه عرب مروان بود که مواجه با قیام ابومسلم خراسانی شد و ظرف ۴ سال شورشیان سیاه جامه به رهبری ابومسلم توانستند حکومت اموی را در هم بکوبند و به پایان ببرند. و خلیفه بغداد سفاح به عنوان فرمانروای مطلق خراسان با درجه ارتشیدی منصوب شد. ابومسلم هیچکس را در کنار خود نمی توانست ببیند او گردن چند تن از اطرفیان خود را زد، او با این کارها و تند روی هایش بطور موقت در میان ایرانیان منزوی شد. به آفرید و خدیج ابن عبسا کرمانی دو نفر از نزدیکان مشهورش بودند که بدست ابومسلم کشته شدند. پس از شکست امویان بدست ابومسلم، روزگار امویان چنان درهم کوفته شد که حتا بسیاری از اشراف عرب در کشورهای خود بر علیه امویان بپا خواستند و گور خلفای پیشین را می شکافتند و جنازه ها را بیرون می کشیدند و آتش میزدند، به زن ها و دخترانشان تجاوز کردند

## از کتاب جدید کاریکلماتورهای دکتر روزبه آذربزین

وقتی کرونا خانه خدا را بست، اعتقاد به ویروس پیدا کردیم!  
در عزای حسین بین خانم ها که خون گریه می کردند، نوار بهداشتی پخش شد!  
اسلام در «رحمت» را به در «زحمت» تبدیل کرد!  
باگیوتین اسلامی، سر تمام جنبدگان را می توان برید!  
به عقیده ملاها سر آدم ها زیادی است!  
درختی که در ایران همه فصول میوه می داد توسط آخوندها قطع شد!  
فقط آدم های خُل برای کسی که در بهشت به عشرت مشغول است عزاداری می کنند!  
در ایران اعدامی های سیاسی آنقدر جرم شان سنگین است که با جرثقیل اعدام می شوند!  
خوشبختی آخوندها در بدبختی مردم است!  
اسلام اشک شوق را به اشک غم تبدیل کرد!  
پیشرفت نوع جمهوری اسلامی، الاغ سوارها به بنز سواری رسیدند!  
مسلمانها که در کشتن دوست و دشمن تبحر خاصی دارند، چرا کسی به فکر کشتن عزرائیل نیست!

دکتر احمد ایرانی

## کارنامه ننگین عمامه داران (۹)

کوروش سلیمانی

## فتواگره گشای کار مسلمانان

ارث خرس به کفتار میرسد  
پس از خاکسپاری «امام سیزدهم» آخوندی گمنام و روضه خوانی  
از مشهد به نام «ملاعلی خامنه‌ای» ناگهان «رهبر شیعیان جهان»  
شد.

البته «ارثش ۲۰ میلیونی خمینی» حرف مفتی بیش نبود. اما  
چماق‌داران مسلح «ملاعلی» که از آنها «سپاه پاسداران» و «نیروی  
بسیج» پدید آمد در سنجش با چماق‌داران عمامه داران  
دودمانهای صفویان و قاجاریان یک عدد نجومی بود. در سپاه  
پاسداران در حدود ۱۲۵۰۰۰ نفر «خدمت» می‌کردند و در نیروی  
بسیج بیش از ۹۵۰۰۰ تن «انجام وظیفه» می‌کردند. نیروی اول  
نگهبانان دزدان، رشوه‌گیران و مقامات اسلامی بودند و نیروی  
دوم به قول فرماندهان خودشان دست به کار «لت و پار کردن»  
مخالفان دولت در تظاهرات خیابانی یا هرگونه گردهمایی بودند.  
به راستی «ارث خرس به کفتار رسیده بود.»

امام در خاک خفته پس از کشتارهای بی حساب مخالفان «اسلام  
عزیزش» به دست دیوانه‌هایی چون خلخالی، راه را برای  
«رهبری» خامنه‌ای هموار کرده بود. اما به یاد داشته باشیم که  
«چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد.» دیر یا زود هیمالیای  
همه‌ی دینهای سرشار از خرافات و به‌ویژه اسلام، در زیر آقیانوس  
علم، خرد، دانش و آگاهی ناپدید خواهد شد.

در پایان کارنامه‌ی ننگین عمامه داران که گوشه‌ای کوچک از  
کتابی بزرگ بود از کارنامه این قشر باز دارنده پیشرفت و  
خوشبختی ملت ایران، شما را به دیدگاه چند روشنفکر نامدار  
جهان می‌خوانم تا در شماره بعد نگاهی داشته باشیم به کتاب «از  
حقیقت تا واقعیت» از زنده یاد دکتر حسین ملک که در سال  
۲۰۰۶ میلادی در پاریس از سوی نشریه سهند منتشر شده است.

دین نوعی بیماری روانی است در سطح جهانی - فروید  
تا دین‌ها باشند انسان‌ها روی خوشبختی نخواهند دید - مارکس  
خوشگذرانی جاودانی (بهشت) می‌تواند تعریف عملی جهنم باشد -  
پرناردشا  
تا زمانی که ابلهان دیندار و شیادان دین فروش هستند دین‌ها هم  
هستند - ولتر

من کل ادیان را افسانه و بی معنی میدانم - فتحعلی آخوند زاده  
خداشناسی دانش دروغ‌های آسمانی است - میخائیل بوکائین  
دین مبین اسلام مناسب قبایل وحشی و دزد است - آقاخان کرمانی  
دین همواره دشمن علم، پژوهش و اندیشه بوده است - اینگرسل

در دهه سوم قرن بیستم درآمد عربستان سعودی منحصر  
به‌فروش خرما و مروارید و سفر حجاج به مکه بود، ولی بازار  
مروارید رونق خود را از دست داد و بحران اقتصادی جهانی سفر  
حج و زیارت خانه‌ی کعبه را از سکه انداخت و چاره‌ای نبود تا از  
دریای نفتی که تازه در این سرزمین کشف شده بود بهره‌برداری  
کنند. ولی گره بزرگ این کار در آن بود که علمای وهابی عربستان  
استخراج نفت را بدست کافران غیر مسلمان خلاف شریعت  
اسلام می‌دانستند ولی با وضع بد اقتصادی دیگر چاره‌ای برای  
دولت عربستان نبود جز اینکه به استخراج نفت به هر شکلی که  
هست دست بزنند. از این روی دست به دامن مراجع دین زدند که  
راهی برای رفع مشکل و گره اسلامی پیدا کنند، علما هم که طاقت  
گرسنگی کشیدن و کوچک شدن حجم شکم‌های خود را نداشتند  
از داستان فتوا دادن استقبال کردند و دو روز وقت خواستند که از  
انبیان مغز خود کلکی بسازند و اعلام کنند تا رفع مشکل شود، و  
فردای همان روز (در سال ۱۹۳۳) در عربستان علمای اعلام و  
حجج اسلام و آیات عظام متفق‌القول فتوا دادند «چون نفت  
هدیه‌ی الله به مسلمانان است اگر به‌دست نجس کفار در جهت  
مصلح مسلمانان استخراج شود نه‌اینکه هیچ اشکالی ندارد که  
باعث خشنودی الله هم خواهد شد!»

بدینگونه شد که با استخراج نفت اقتصاد عربستان شکوفا شد. و  
عربستان از ثروتمندترین کشورهای جهان شد. البته دانشمندان  
نفت را هدیه علم و دانش و پژوهش می‌دانند.

دکتر مرتضی میرآفتابی نویسنده و شاعر نامدار سال گذشته در  
ماه آوریل ۲۰۱۹ چشم بر روی جهان بست. او با همه‌ی  
سختی‌ها که در اثر بیماری از یک سو و تنگدستی مالی از سوی  
دیگر داشت ولی زندگی را و مردم را عاشقانه دوست داشت و  
هنوز می‌توانست با قلم توانا و احساس انسان دوستانه اش  
آثار باارزشی خلق کند. افسوس که تن رنجور او تاب آن همه  
فشار و ناراحتی را نداشت و نابهنگام دست از زندگی کشید.  
یادش را گرامی و نامش را فراموش نخواهیم کرد.

هر زنی که به اسلام درآید مانند مرغی است که خودش را  
تحویل کباب پز بدهد.

## دکتر حسام نوذری

## چالش‌های بزرگ علمی در برابر خرافات

ما نیازمند به مراقبت و احترام به حیوانات و گیاهان هستیم. در حالیکه حیوانات و گیاهان به وجود ما نیازی ندارند ولی ما انسان‌ها داریم. گیاهان و حیوانات هم مانند انسان دارای حق و حقوقی هستند چون ساکنین کره زمین در کنار ما هستند، بدون آنها زندگی ما نمی‌تواند کامل باشد.

چالش دوم چالش آب و هوا است که در برابر خود داریم. ما بدون آب و هوا نمی‌توانیم زنده بمانیم و برای پاکی و سلامت آنها بسیار باید بکوشیم.

ما انسان‌ها باید برسد روزی که دست از خود محوری و برتر بینی بر موجودات دیگر برداریم اگر به ساختار بدن انسان نگاه کنید متوجه می‌شوید که ساختار بدن حیوانات در بسیاری موارد از ما جلوتر هستند. هموگلوبین بسیاری از حیوانات از ما پیشرفته‌تر است، ریه بسیاری از حیوانات از ریه ما تواناتر است. یا حیواناتی هستند حس‌هایی دارند که ما اصلاً آن‌ها را نمی‌فهمیم، مثل درک «نانوولتاژ» آمپول‌های «لورنسنی» در کوسه که می‌تواند ما را در تاریکی ببیند حتی اگر پشت یک تخته سنگی به ایستیم، (نانوولتاژ) نرون‌های ما یعنی سلول‌های عصبی ما را به تصویر تبدیل می‌کند، یا یک حفاش که ضربان قلب ما را می‌تواند ببیند و یا یک دلفین می‌تواند درون شما و بالا رفتن فشار خون شما را ببیند و بعد همینطور در مورد سرطان، ما حیواناتی داریم که اصلاً سرطان نمی‌گیرند یا این مساله را به مراتب بهتر از بدن ما سلول‌های آنها مدیریت می‌کند چون سیستم دفاعی آنها خیلی پیشرفته‌تر از سیستم دفاعی ما است.

اما از همه این‌ها مهم‌ترین این است که برای همیشه بیاموزیم، این انسان نیست که تواناست، این انسان نیست که به فضا می‌رود این انسان‌ها هستند که به کره ماه می‌روند، این انسان نیست که متوجه فضا و زمان شده‌اند این انسان‌ها هستند، یک سری از دانشمندان هستند، ما این‌جور حس می‌کنیم که ما هستیم که قادر به پرواز هستیم نه، پیش از ما انسان‌هایی بودند که این توانایی را سرانجام به ما دادند. و رمز پیروی انسان از یکصد هزار سال پیش همین با هم کارها را انجام دادن بوده است در گروهی همین فرهنگ انسان بوده در گروهی نگاهش آموخته هاست و آن را تحویل دادن به نسل بعدی بوده است و این باعث شده انسان‌ها آنجایی باشند که هستند ولی انسان به تنهایی قادر به هیچ‌کدام از این کارها نیست. و در مورد چالش آب و هوا

اولاً که کره زمین ما قرار نیست که همیشه همینطوری بماند، و آب و هوا همیشه یک جور باقی بماند ما چندین مرتبه داشته‌ایم که

کره زمین ما سر تا سر یخ بسته است عصر یخبندان، اما ما دوام آوردیم. انسان ثاندرتان دوام نیاورد انسانی از نوع دیگر، برای مثال در خود اروپا ما در بالای دو هزار سال پیش جریانی داریم به نام «لومپتیمو کليماتیک گرما» یعنی هوای کره زمین ما در اتلانتیک شمالی در اروپا گرم می‌شود مانند امروز و بسیاری معتقد هستند این کمک می‌کند به پیشرفت تمدن رم باستان، پیشرفت تمدن رم باستان به شدت مدیون این گرمایش زمین است و بعد در زمان قرون وسطی سده‌هایی میانی ما داریم «لومپتیمو کليماتیک مدیه وا» نزدیک به ۴۰۰ سال هوای اروپا گرم است حتی شما کوه‌های آلپ را می‌بینید که روی آن برفی نیست و بسیاری معتقد هستند که این گرمایش زمین است که اروپا را آماده می‌کند برای رنسانس بسیاری از ابزار ما در این دوران اختراع شدند، بسیاری از نخستین آسمان‌خراش‌های اروپا در این زمان آغاز شدند مانند نوتردام که در همان ایام ساخته شد ما مدیون گرم شدن هوای زمین هستیم یا یک سر بز نیم به میهن خودمان بالای چهار هزار سال پیش در میهن ما یک گرمایش بالایی آمد تاجایی که میانه‌های فلات ایران کاملاً خشک میشود نخستین ساکنان ایران که ساکن لرستان هستند و خرم‌آباد از گرما در پناهگاه‌های زاگرس دوام می‌آورند. گروه دیگری از گذشتگان ما ناچار می‌شوند مناطق خود را ترک کنند به نقاط سردتر شمال ایران و حتی به بیرون از کشور خود می‌روند و بعد از چند صد سال با یک زبان دیگر برمی‌گردند به میهن خود. در مصر باستان ما بیابانها استخوان ماهی‌ها را می‌بینیم و این استخوانها نشانگر آن است که مصر کنونی یک روز در گذشته‌های دور دریا بوده است. بنابراین انسان خردمند بایستی همواره آماده تغییر آب و هوا باشد.

چالش آب و هوا همواره یک چالش بزرگ برای انسان است. قسمت‌هایی از کره زمین سرد می‌شوند و قسمت‌هایی گرم می‌شوند. اجازه ندهیم رسانه‌ها مردم را در دو دسته موافق با گرمایش زمین یا مخالف بجان هم بیندازند. اما آنچه که مسلم است اگر ما به همین گونه امروز، به مصرف خودمان ادامه بدهیم هیچ کمکی به کره زمین و هیچ کمکی به تنوع در حیات نمی‌کنیم بنابراین مهم است پیش از اینکه ما حمله کنیم به شرکت‌ها و رسانه‌های جنجال‌ساز هر دو طرف مخالف و موافق به خودمان باید یک نگاه بیندازیم اگر این فرهنگ در ما تغییری پیدا نکند، اگر نگاه ما به حیوانات، به غذایی که می‌خوریم و دست و دلبازی‌هایی که در کشورهای غربی وجود دارد تغییر نکند هیچ راه دیگری ندارد که بگوییم کره زمین ما نجات پیدا خواهد کرد، اگر فکر کنیم که اگر از این ببعد سوار ماشین‌های الکتریکی بشویم یا چمن جلوی خانه‌ام را بردارم کار من تمام است نه مشکل بمراتب بزرگتر از آنست که با این کارها خیالمان راحت شود.

برگردان محمد خوارزمی

## غل و زنجیر پنهان

از خانم «استون تون» جامعه شناس آمریکایی می‌پرسم نظر شما در باره اجتماعی که در آن پاره‌ای از مردم بر این می‌شوند تا با بکارگیری روش تبلیغاتی، دیگر افراد را به بردگی بکشانند چیست؟ او می‌گوید «برترین نفوذ به‌اندیشه انسانی از طریق احساسات مذهبی حاصل می‌شود و تمام ادیان عمده‌ی کره زمین انقیاد یک جنس و برتری جنس دیگر را آموزش می‌دهند و به این ترتیب از یک طرف عشق به آزادی را تضعیف می‌کنند و از طرف دیگر علاقه به جور و ستم را تشویق مینمایند. این تأثیر از عهد کهن تا به امروز ادامه یافته است» «این چه قدرتی است که یک خانم هندی را وا می‌دارد تا خود را در آتش هیزمی که برای سوزاندن جسد شوهرش افروخته شده است بسوزاند؟ مذهبیست. چه چیزی زن مسلمان را وا می‌دارد تا در حرمسرا باقی بماند؟ ایمانش. با چه نیرویی مورمن‌ها «رسم» مرد چند زنه را در مذهبشان جاودان نگه‌میدارند؟ از طریق باور مذهبیشان. مرد خودش نمی‌تواند به این اعمال دست بزند، ولی زمانی که می‌گوید خداوند متعال چنین فرمان داد البته که می‌تواند. تا زمانی که کشیشان برقرار هستند و به ما می‌گویند مسیح رهبر کلیسا است، به همین جهت مرد هم آقابالا سر زن است. چگونه می‌توان زنجیری که در طی قرون زن را در بند کشیده است پاره کنیم؟

زنان به وضوح در موقعیتی قرار می‌گیرند که با وحی الهی عشق به آزادی را از دست بدهند و خود را لایق ادعای چنین حقی ندانند.

علاقه به استبداد از طریق کشیش‌ها و اعمال رهبرانی مدنی در طی قرون با هم همکاری کرده‌اند تا این وضعیت را جاودانی کنند بوجود آمده است. هم مراسم مذهبی و هم قوانین اجتماعی حقارت زن‌ها را تأکید می‌کند. هردوی آنها قصدشان کنترل خانواده بر انقیاد زن‌ها بنا شده است.

در حال حاضر در کشورمان حق زنان در جلوگیری از حاملگی و سقط جنین از جانب برخی از مذاهب تهدید به حساب می‌آید. این آزادی، توازن با دقت تعیین شده انقیاد زن‌ها را برهم می‌زند. باز در اینجا، مذهب از دولت می‌خواهد تا قوانینی را وضع کند که نظرشان را تأمین نماید برخی از سیاستمداران حاضر برای بر سر کار ماندن اغلب به حرفشان گوش میدهند. و باز برخی از خانم‌ها که به شدت تحت تعالیم مذهبی قرار دارند به صورت

عواملشان در بردگی نگهداشتن خود عمل می‌کنند. اکنون دوره جدید روشنگری فرا رسیده است که چنین باور مذهبی را غیر قابل تحمل شمرد و آن را تبدیل به یکسان شمردن همه انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت یا سایر دگرگونی‌ها نمود. لازم است که ماتعهد به آزادی خود را تحکیم کنیم و بردگی از هر نوعش را محکوم نماییم. بردگی خواه جسمی یا عاطفی باشد عقل را زایل می‌کند و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

## کریسمس رفته رفته از مذهب فاصله می‌گیرد

مرکز آمارگیری P.E.W اعلام کرده است که ۹۰ درصد آمریکایی‌ها کریسمس را جشن می‌گیرند ولی فقط نیمی از آنها می‌گویند که این یک تعطیلی مذهبی است.

مفهوم کریسمس به عنوان یک تعطیلی مذهبی رفته رفته کم‌رنگ‌تر می‌شود ولی مراسم فرهنگی آن چون همیشه برای آمریکایی‌ها مهم می‌باشد.

کم رنگ شدن تدریجی نقش مذهب در جشن‌های کریسمس آمریکایی‌ها، آنچنان است که مذهبیون آن را «بیرون کشیدن مسیح از کریسمس» می‌نامند به‌ویژه در اشخاص سنین ۱۸ تا ۲۹ دیده می‌شود و بسیاری دیگر به معجزه کریسمس که گفته می‌شود «مسیح از یک دختر باکره متولد شده است ایمان چندانی ندارند»

حدود ۷۰ درصد آمریکاییان می‌گویند بیش از هر چیز دور هم جمع شدن بستگان و دوستان در هنگام کریسمس چیزی است که انتظارش را می‌کشند. جشن‌های مذهبی یا حضور در کلیسا با فاصله‌ای بسیار دور در رده دوم قرار دارد که روز بروز در حال کم‌رنگ‌تر شدن است. در آمارگیری‌های هر ساله دانشگاه شیکاگو این درس‌ها نشان می‌دهد که مذهب در ابعاد گوناگون در حال تضعیف شدن است.

دین‌ها جبر جغرافیایی هستند، اگر تنها چند هزار مایل محل تولدت جابجا شده بود مقدسات و حتا خدایت فرق می‌کرد. الله فقط ۱۴۰۰ سال عمر دارد، پدر مقدس ۲۰۰۰ سال و یهوه ۳۰۰ سال، هزاران خدا هم پیش از این‌ها بوده‌اند که از میان رفته‌اند، هیچ پدیده‌ای، حتا کره زمین که مادر آن زندگی می‌کنیم ابدی نیست، دین‌ها هم می‌آیند و می‌روند. فعلاً زمان ترک‌تازی اسلام و مسیحیت و یهودیت است، اگر دانا باشی پایان خط آنها را از هم‌اکنون بخوبی می‌توانی ببینی خودت را با این دروغ‌های قدیمی گول نزن. اسی شهنازی

هما ناطق

## دوزخ سازان عمامه‌دار

در سده‌ی نوزدهم، مردم ایران کمتر با اهل دین سروکار داشتند، حتا با کمبود آخوند روبرو بودند چنانچه در تبریز تنها پنج مجتهد زندگی می‌کردند. در دیگر شهرها نیز روی هم سد روحانی بیشتر نمی‌یابیم.

در آن سال‌ها طایفه‌ی روحانی مقام ویژه‌ای نداشت، صنفی بود در میان «اصناف» با این مزیت که مالیات نمی‌پرداخت و به‌جنگ نمی‌رفت. این خود یکی از علل رویکرد بخشی از توده‌ها به‌طلبگی بود. در این زمان دولت و دربار خود ریاست دین مردم را بر عهده داشتند و در نبود قانون احکام شرع با تغییراتی چند از سوی دربار به‌صورت فرمان صادر و اجرا می‌شد.

شاه خود در جلوه ظل‌الله فی‌الارض مقام ولایت داشت و کار خلق‌الله را پیش می‌برد، از جمله طناب انداختن، شلاق زدن و مجازات‌های دیگر به‌دست دربار انجام می‌شد و به‌مجتهدین کاری نداشتند.

در آن زمان فقها و علمای دین غالباً در انزوا به‌پژوهش و تدریس میردانی چند اشتغال داشتند، اهل دین به عربی می‌خواندند و می‌نوشتند. متون شرعی دور از فهم توده‌ها و ترجمه قرآن به فارسی گناه و ممنوع بود و مردم از محتوای آن آگاهی نداشتند.

اهل دین «آخوندها» به دو قشر «پادار» و «خرده‌پا» تقسیم می‌شدند، ملایان خُرده‌پا بیشتر کنار روستائیان می‌زیستند و از دسترنج آنان نان می‌خوردند، در پی تجملات هم نبودند، زندگی سهل و ساده داشتند، اهل روستا تأمین خانه و پوشاک و خوراک آنها را بر عهده می‌گرفتند و افزون بر آن سالی یک تومان خرجی به‌هر یک می‌پرداختند. این آخوندها کودکان روستا را الفبا و قرآن می‌آموختند. از این رو در نیمه‌ی اول سده نوزدهم فرنگیانی که از دهات ایران می‌گذشتند در شگفت بودند از اینکه کودکان روستاها از خواندن و نوشتن بهره داشتند.

همین ملایان خُرده‌پا مراسم زناشویی، طلاق و ختنه‌سوران را نیز به رایگان انجام می‌دادند.

گروه دوم را ملایان بزرگ شهرنشین می‌ساختند. در این دوره که طلاب هنوز شکل نگرفته بودند مجتهدان در شهرهای تبریز - تهران - اصفهان - شیراز - یزد و دیگر شهرها سرکردگی و حمایت لوطیان چماقدار را بر عهده داشتند. در این دوره مساجد را مستوفیان در دست داشتند نه روحانیان. از دوران ناصری و به‌دنبال شورش بابیان بود که طلاب مسلح رفته رفته جای لوطیان

چماقدار را گرفتند و خوش نشین مساجد شدند. لوطیان مردمان بزن بهادری هستند که شبها برای دستبرد و ماجراجویی از خانه بیرون می‌روند. به‌عرق خوری و قماربازی تعلق خاطر دارند. در کمر خود دشنه‌های بلند قفقازی دارند، کلاهشان را یک وری می‌گذارند، پهلوانان، عنتری‌ها، خرس‌گردان‌ها، شیرگردان‌ها و رقاصان از این گروه‌اند، لوطی‌های تبریز، شیراز و اصفهان به شیردلی شهره‌اند. این‌ها توصیفات دکتر پولاک پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه بود.

دکتر پولاک نخستین فرنگی بود که به سودمندی این صنف در جهت بهره‌برداری سیاسی پی‌برد و نوشت «بسیار خوب است اروپائیان در حمایت چند تن از این لوطیان قرار گیرند» اما ملایان و سپس انگلیس‌ها زودتر از پولاک دست بکار شدند و سپاه لوطیان را در جهت سرکوب‌های مختلف اجیر کردند.

کاظم‌بیک در کتابش در باره جنبش یاب از لوطی‌ها یاد کرده «لوطیان اوباشی هستند بی‌اخلاق» که شمارشان روز به روز در افزایش بود. آنها نشست‌های پنهانی خود را در خرابه‌ها و زیرزمینها برگزار می‌کردند، بد مستی و دزدی می‌کردند. سرکرده‌هاشان در پایتخت از احترام بزرگان (که به آنان نیاز داشتند) برخوردار بودند.

ویلهلم فلور یکی از کارشناسان در تاریخچه لوطیان به‌ما می‌آموزد که واژه لوطی و الواط با لات و لوت و داش مشدی یکی است، کلاه مخملی‌های لُنگ به دوش هم یادگاری از همان دورانند. مقامات مذهبی بویژه در نیمه یکم سده نوزده از این اوباش به‌عنوان گروه ضربت استفاده می‌کردند و به‌هنگام تسویه حساب با این و آن از آنها بهره می‌گرفتند آنها را حتا به کشتن رقیب و می‌داشتند و یا در جهت غصب املاک به روستاها فرستاده می‌شدند. (ادامه دارد)

بهترین راه بدست آوردن بیداری گرفتن آن از راه پست است. تلفن کنید تا برایتان فرستاده شود.

858-320-0013

راه تماس با ما

bidari2@hotmail.com

در همه‌ی رخداد‌های ناموجه سیاسی و اجتماعی همیشه مردم مقصر هستند نه حکومت‌ها. چون حکومت‌ها همه از خود همین مردم و از انتخاب آنها می‌باشند، خوب و بد هر ملتی به‌دست ملت است.



## دانشگاه جهانی کورش بزرگ پیشکش می‌کند

احمد کسروی

## گاهشمار واقعاً ایرانی

## دشنام و ناسزا در مذهب شیعه

گاهشمار ایرانی آیین ملی است در برابر ما تا زشتی‌ها و زیبایی‌هایمان را در آن بنگریم، بر زیبایی‌ها بیفزاییم و از زشتی‌ها بکاهیم در این گاهشمار بجای نشستن در سوگ تازیان به جشنها و شاد روزهای ایرانی می‌پردازد. بجای دهه‌ی محرم و یادآوری سالروز مرگ دشمنان ایران و ایرانی و سوگواری و غم‌گستری به شمارش جشن‌های فراوان و گوناگون و شناخت بیخ و بن فرهنگ جشن ساز ایرانی می‌پردازد.

در جهان‌بینی ایرانی، آدمی آفریده شده تا با کار و کوشش در پرتو خرد و اندیشه‌ی نیک زمین را جشنگاهی بسازد برای خود و برای آب و خاک و جانور....

گاهشمار ایرانی دانشنامه‌ی جشن‌ها و شادروزهای ایرانی است گاهشمار ایراتی به جای پرداختن به زندگی تازیان ایرانسوز به کارنامه بزرگان و دلسوزان ایران پرداخته مانند زرتشت ورجاوند، کورش بزرگ، پیر شهنامه گوی توس، زکریای رازی، رودکی، پور سینا، حافظ، سعدی، احمد کسروی، صادق هدایت، میرزا آقاخان کرمانی، فروغ فرخزاد، شجاع‌الدین شفا، کورش آریامنش، آله‌دالفک، منوچهر فرهنگی، محمد عاصمی، دلاوران ارتش ایران.... گاهشمار ایرانی دانشنامه‌ی بزرگان ایران است.

در این گاهشمار بجای پرداختن به افسانه‌های خردسوز دینی به داستان‌های پهلوانی و جانفشانی‌ها در راه ارزش‌های میهنی پرداخته می‌شود، بجای داستان کربلا پیکار سرنوشت ساز خرم‌دینان و جانفشانی‌های بابک خرم‌دین آمده است.

بجای شمارش سالهای گریز محمد از مکه به مدینه، کارنامه شهریاری ایران از کورش بزرگ به این سو می‌پردازد.

گاهشمار ایرانی یک دانشنامه‌ی کلان است که هرگز به برگه‌ی «پایان» نخواهد رسید، هر روز بر شمار نویسندگان افزوده می‌شود. بیشتر رخدادهای بزرگ جهان در آن خواهد آمد، روزهای گرامی‌داشت آب و خاک و زیست بوم را خواهید داشت. برسیدن کارنامه کشورهای بهره‌کش و فزون‌خواه، خاورمیانه و بسیاری دیگر در این گاهشمار دیده می‌شود.

با پشتیبانی از تهیه‌کننده این گاهشمار به والامندی آینده‌ی ایران بپردازید.

برای بدست آوردن این گاهشمار به بهای هفت دلار در شماره بعدی آگاهی بیشتری خواهیم داد.

یکی از کارهای شاه اسماعیل رواج شیعیگری در ایران بود، این شاه که دلش پُر از کینه سنی‌ها بود شیوه زشت دشنام و نفرین را رواج داد.

از زمان او درویشانی بنام «تبرّایی» پیدا شدند که در جلوی اسب رجال می‌افتادند و نامهای خلفای راشدین را یکایک بُرده نفرین و دشنام می‌دادند.

اسمعیل میرزا نوه‌ی آن شاه خواست جلو این کار را بگیرد ولی کوشش‌های او فایده‌ای نداد.

سپس در زمان نادرشاه افشار یک رشته کوشش‌های بزرگتری انجام گرفت و بارها از ملایان سنی و شیعی نشست‌ها برپا کرد ولی این کوشش‌ها ناکام ماند و آن شاه گُشته شد و آرزوهای خود را به گُور بُرد.

در زمان زندیان و سپس قاجاریان ملایان میدان‌دار بودند و این زشت‌کاری همچنان پابرجا بود و تا پیش از زمان مشروطه همه ساله در ربیع‌الاول ملاها و سیدها و طلبه‌ها پیش افتاده مانند جشن عمرکشان راه می‌انداختند.

یکی از نیکی‌های جنبش مشروطه برانداختن آن زشت‌کاری‌ها بود.

تا به آن روز همین زشت‌کاری مایه ریخته شدن خون میلیونها انسان گردیده و موجب برافتادن هزارها خاندان شده، به شومی آن سدهزاران دختران و زنان ایران به دست ازبکان و ترکمانان و عثمانیان افتادند که به کنیزی نگه داشته و یا در بازارهای بخارا و خیوه، استانبول، صوفیا و بلغراد فروخته شدند. یک نکته را باید اضافه کنم که داستان‌های کتابهای شیعی در باره کشاکش و اختلاف بین امام علی با ابوبکر و عمر همه دروغ و همه ساخته شده‌اند.

امر به معروف به جوانان ایران: کتاب بخوانید  
نهی از منکر برای جوانان ایران: از دین جداً پرهیز کنید.

اختلاس‌کننده اگر سهم خدا و پیامبر را بدهد کارش قانونی  
می‌شود. آن دنیا را هم خواهد داشت به عنوان جایزه!

## سیاوش لشگری

## پیامی دوستانه به علاقمندان ساقط شدن جمهوری اسلامی

## هم میهنان گرامی



پوتین است که ایران را می‌بلعد

سود بزرگتر از آن علاقه عربها به دوستی با اسرائیل است که اسرائیلی‌ها همواره آرزو می‌کردند حتی با یک کشور کوچک عرب روابط دوستی داشته باشند که بخاطر وجود همان لولوی سر خرمن امروزه عربها صف بسته‌اند که با اسرائیلی‌ها آشتی کنند و این اسرائیلی‌ها هستند که ناز می‌کنند باید فهمید این سودهای کلان برای آمریکا و اسرائیل سود کمی نیست که آنهم با ماندگاری جمهوری اسلامی بدست می‌آید آخوندها سر آمریکایی‌ها در عراق موشک می‌اندازند صدای آقای ترامپ و دولتش در نمی‌آید. آخوند حسابگر خوب دست آمریکایی‌ها را خوانده و مرتب سر انبارهای نفت عربستان موشک می‌بارد باز هم صدای غرب به‌ویژه آمریکا در نمی‌آید. چون ته دل دوست هم دارند تا عرب‌ها بیشتر از پیش از ایران بترسند و به خرید اسلحه‌ی بیشتر ادامه دهند. آمریکا در ظاهر پنج ملوان هیچکاره کشتی‌هایی که نفت ایران را به ونزوئلا می‌برند تحریم می‌کند بدون اینکه بگوید چگونه این کشتی‌های عظیم‌الجثه در برابر چشم ناوهای آمریکایی از خلیج فارس و بنادر نفتی ایران بیرون می‌آیند و می‌روند و صدای آنها در نمی‌آید مگر اینکه موضوع را سایر کشورها فاش کنند! آمریکا مرتب معافیت تحریم‌های نفتی عراق و ترکیه را تمدید می‌کند تا ایران بتواند راهی برای درآمد خود داشته باشد در حالیکه می‌توانست از کشورهای عربستان و سایر عرب‌ها نفت به عراق و ترکیه برساند. از همه این‌ها مهم‌تر

بهترین و درست‌ترین راه سیاسی برای داشتن ایرانی به دور از تلاطم‌های موجود جهان این است که هرگز طرفدار یکی از احزاب و دولت‌های کشورهای بیگانه نباشیم و به‌جای او متکی به نیروی خلاقه خود گردیم. برای مثال در آمریکا ایرانی‌هایی که برآستی خواهان آزادی ایران هستند نباید نیروی خود را در جانبداری از یک حزب آمریکا چه دموکراتها چه جمهوری خواهان صرف کنند و پس از چندی هم ناامید و روحیه خود را از دست بدهند فراموش نکنید پادشاه ایران چون دوستی بسیار نزدیک با حزب جمهوری خواه آمریکا داشت همواره با دموکراتها مشکل داشت که در سال ۱۳۵۷ سال انقلاب اگر دموکراتها سرکار نبودند احتمال پیروزی انقلاب هم بسیار کمتر می‌شد شاه همیشه روی دوستی جمهوریخواهان حساب می‌کرد اما روی مخالفت دموکرات‌ها نه مخالفان شاه با آگاهی از این خلاء، کار خود را در زمان حاکمیت حزب دموکرات آغاز و به پایان بردند درسی را که ایرانیان عاشق ایران باید از این ماجرای تلخ بگیرند و همان راه را ادامه ندهند همانا اتکا نداشتن به نیروهای بیگانه است که هیچگاه به سود ایران تمام نمی‌شود و هر حزب و کشوری که باشد در برآوردهای خود فقط به فکر سود میهن و مردم خویش است. در سراسر جهان امروز هم هیچ کشوری عاشق مردم ایران نیست و سمپاتی ویژه‌ای به هم میهنان ما ندارند که اصولاً در سیاست و امور میهنی علاقه و دوستی معنایی ندارد. ما باید بجای توقع و چشمداشت از کمک خارجی به ویژه احزاب بیگانه که مرتب هم جا عوض می‌کنند و یک حکومت طولانی ندارند، به‌روی توانایی‌های مردم خود حساب و هزینه کنیم، به ویژه امروز که هیچ کشوری ایران را در مجموع دوست خود نمی‌داند و دوست ندارد نه روس و اروپایی‌ها نه چین و امارش، نه عربها و ترکها حتی اسرائیل. به این‌ها اضافه کنید سوریه و عراق را که آنها هم از این رژیم و ملتش بریده و ناامید شده‌اند. علاقه آمریکایی‌ها هم صوری و ظاهری است که فقط از زبان عده‌ای محدود در دولت آمریکا شنیده می‌شود. دلیل آن هم به‌خوبی روشن است چون از آزادی ایران هیچ سودی برای سالهای زیاد به آمریکا نخواهد رسید و فعلاً سود آنها فروش اسلحه در ابعاد نجومی به عربهاست و این حاصل نمی‌شود اگر لولوی سرخرمن جمهوری اسلامی در صحنه نباشد.

## مهندس فرهنگ - م

### تأثیر اندیشه‌های ایرانی بر تمدن غرب

تأثیر آیین میترائی بر ادیان یهودی و مسیحیت به‌خوبی گویای عظمت فرهنگ و اندیشه ایرانیان پیش از اسلام است.

در این زمینه هاشم رضی، ایران‌شناس، نویسنده و مترجم می‌نویسد، آیین مغان پیش از دوران ساسانی، مؤثرترین و پُربارترین پدیده‌ی اندیشه ایرانیان بود که اثرهای نمایان و ریشه‌داری بر فرهنگ و تمدن مغرب زمین برجای نهاد.

نخستین اثر این آیین بر دین یهود بود و یا بر مذاهب عیسوی ارتدکس و کاتولیکی. بطوری که دین مسیحی بسیار مدیون به آیین میتراست، هرگاه آیین میترا وجود نداشت، مسیحیتی بدان سان که امروز می‌شناسیم وجود نداشت. کشیشان و روحانیون مسیحی با دقت خاصی در طول چهار قرن آیین میترا را اخذ و اقتباس کردند و سرانجام در اوایل سده پنجم آیین میترائی تحت عنوان دین مسیح در جهان تجدید حیات کرد. در آیین مسیح و میترا یک نوع تثلیث وجود دارد، انجمن‌های میترائی سری بودند و در سرداب‌ها تشکیل می‌شدند و همراه‌های مهری دینان نیز به‌شکل غار بنا می‌شد و در آن دخمه‌ها مراسم اسرارآمیز انجام می‌شد، مراسم تطهیر و غسل تعمید در هر دو مذهب مشترک بود، عید فصح عیسویان اقتباسی است از جشن اردی‌بهشت مهرپرستان در این جشن میترا به آسمان صعود می‌کند چنانکه عیسا «گفته می‌شود» نیز به آسمان بالا می‌رود. افروختن شمع در کلیساها، حوضچه آب مقدس در مدخل کلیساها، نواختن ناقوس، خواندن سرود دستجمعی با موسیقی همه اقتباس از آیین ایرانی میترائی است، مراسم شام واپسین و صرف نان و شراب در دو آئین مشترک است. دوازده مقام میترائی بدل به حواریون دوازده‌گانه عیسا شدند. روز یکشنبه روز ویژه مهرپرستان بود که به وسیله مسیحیان اقتباس شده. عید کریسمس روز تولد مهر بود که در سده‌ی چهارم میلادی روز تولد مسیح تعیین شد. مسیح و مهر هر دو در روز رستاخیز ظهور کرده و اعمال مردمان را داوری می‌کنند. اعتقاد به روح و خلود و قیامت از موارد مشترک این دو دین است و موارد متعدد دیگر.

اسلام از زن‌ها می‌ترسد، چون بر آنها ستم روا داشته است. جمهوری اسلامی از زن‌ها می‌ترسد، چون بر آنها ستم کرده است. در نهایت زن‌ها این منبع نکبت اسلامی را نابود خواهند کرد. از مرد ناجوانمرد مسلمان که هیچ‌امیدی نیست.

آمریکا برای بدست آوردن یک ایران نود میلیونی فقیر چپاول شده، با روس‌ها که فعلاً ایران را در مشت خود دارند و پس از قرن‌ها انتظار به این آرزو رسیده‌اند نخواهد جنگید و جنگ جهانی سوم به‌راه نخواهد انداخت تحریم‌های آمریکا همه‌نمایشی است و بی‌اثر چون تمام جهان به‌جز آمریکا نیازهای ایران را تأمین می‌کنند. لااقل در زمان دموکرات‌ها تمام کشورهای جهان حتا روسیه و چین در تحریم‌ها پشت آمریکا بودند و امروز هیچ‌کشوری در جهان در این مورد یا آمریکا همراهی نمی‌کند و پنهان و آشکار به‌داد ایران می‌رسند، انتخاب دوباره جمهوری خواهان و یا برگشت دموکرات‌ها هیچ‌کدام به‌ما برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی کمک نخواهد کرد و در نهایت این بار سنگین را باید خود ایرانیان از جا برکنند و میهن خود را نجات دهند. این کار و موفقیت هم بدون همراهی ایرانیان بیرون از مرز امکان پذیر نخواهد بود مردم درون ایران به‌تنهایی نه می‌توانند و نه می‌خواهند ریسک بزرگ دیگری در زندگی خود به‌گردن بگیرند. بنا بر این تمام نیروی ما بجای پشتیبانی بی‌هوده از احزاب آمریکا باید در راه ایجاد یک معاهده یا توافق یا اتفاق و اتحاد بین خود ایرانیان بیرون و درون بکار رود که تنها راه پیروزی پر دوام برای ایران است. پس از آن می‌توان با آمریکا هم دوستی تاریخی خود را بدون درگیر شدن با آنها و یا هر کشور جهان برقرار و ادامه داد. ما ایرانی‌ها به‌اندازه کافی باهم اختلاف داریم. طرفداری و یا مخالفت با ترامپ هم اضافه شده است، حزب دموکرات یا جمهوریخواه هم به‌آن همه اختلاف بین ما اضافه گردیده و اجازه نمی‌دهد سر مسایل ایران باهم کنار بیاییم و به اتحاد برسیم. دوری جستن از اختلاف بین دو حزب بزرگ آمریکایی برای ایرانیانی که هم و غم‌شان آزادی ایران است پیشنهاد می‌شود و گرنه با آنها که به‌آینده ایران حساس نیستند سخنی نیست. پاینده ایران.

با وضعی که ویروس کرونا پیدا کرده روی هیچ‌کار و برنامه‌ای نمی‌شود حساب کرد و به‌همین دلیل ما هم نمی‌دانیم تاکی می‌توانیم به چاپ بیداری اقدام کنیم و چاپخانه باز باشد. امیدواریم مانعی برای انجام این خدمت پیش نیاید و انتشار بیداری به‌تاخیر نیفتد.

در زندگی خطرناکتر از تعصب، مفیدتر از آزادی، آموزنده‌تر از شکست، راحت‌تر از حرف زدن و سخت‌تر از عمل کردن نیست.

می‌شود. در همان وقت من و آقای مطهری تعجب می‌کردیم که برای حسینیه ارشاد هرچه می‌خواستیم آقای همایون فوری انجام می‌داد، بعداً معلوم شد که بخشی از این پول‌ها از سوی سازمان امنیت می‌آید. یک شب شب عاشورا بود. من و آقای مطهری و یک کسی به نام دکتر اسماعیل یزدی که برادر همین دکتر ابراهیم یزدی بود سه‌تایی رفتیم حسینیه ارشاد، حسینیه ارشاد پُراز جمعیت بود شریعتی داشت سخنرانی می‌کرد. او یک سخنرانی خیلی خیلی تُندی کرد در مدح چگوارا و گفت حضرت امام حسین علیه اسلام در واقع چگوارای زمان بود و چگوارا امام حسین عصر... تا این‌ها را گفت آقای مطهری با آرنج دستش به من زد من از سر جایم بلند شدم گفتم اینجا جای من نیست، ایشان هم گفت جای من هم نیست هردو بلند شدیم، آقای همایون صاحب حسینیه ارشاد در دفتر جلوی ساختمان نشست بود ما یک کاغذ گرفتیم و هردو استعفا دادیم، آقای همایون هرچه اصرار کرد ما نپذیرفتیم و از آن به بعد رابطه من و آقای مطهری با حسینیه ارشاد قطع شد چند روز بعد یک جلسه‌ای تشکیل شد در رابطه با شریعتی و حسینیه ارشاد آقای ثابتی نامی که عضو سازمان امنیت بود یک طرفداری عجیب و غریبی از شریعتی کرد و گفت این کسی است که جوانان را از رفتن به دنبال کمونیست باز می‌دارد. من همانجا گفتم این خیلی خطرناکتر از کمونیست بودن است، آنها مخالفت شدیدی با من کردند و گزارش شدیدی بر ضد من برای شاه فرستادند، من هم خودم رفتم دلایل خودم را برای شاه گفتم، شاه گفت حالا شما کاری به کار آنها نداشته باشید. همان موقع چند ماه بعد مجاهدین خلق شروع کرده بودند به ترور کردن‌ها که در یک حمله به خانه‌های تیمی مجاهدین در شمال تعداد زیادی از کتابهای شریعتی را در آنجا پیدا کردند، شاه دوباره مرا خواست و گفت شما راست می‌گفتید این آقا در واقع ایدئولوگ این گروه‌ها می‌باشد و من دستور داده‌ام او را بگیرند.

## بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

**علی شریعتی به روایت دکتر سید حسن نصر**  
**«شریعتی به احتمال قوی عضو ساواک بود»**

من تماسم با مرحوم شریعتی بیشتر توسط حسینیه ارشاد بود. شخصی به نام همایون این حسینیه را درست کرد و چهار نفر را به عنوان مشاور و رایزن‌های اصلی این مرکز انتخاب کرد مرکب از مرحوم مطهری، شریعتی، حجت‌الاسلام شاهچراغی و خود من. بعد از آن هم من شریعتی را یک بار در دفتر ملاقات کردم ولی ارتباط ما بیشتر از راه حسینیه ارشاد بود. سه چیز مختلف را در مورد شریعتی باید صحبت کرد. یکی جنبه‌های سیاسی زندگی شریعتی که طرفدارانش یک جور تعبیر می‌کنند و مخالفانش یک جور دیگر. ولی واقعیت امر این است که شریعتی رفت به مشهد شروع کرد به درس دادن. آن وقت سازمان امنیت از او پشتیبانی بسیار قوی کرد. به احتمال خیلی قوی او عضو سازمان امنیت بود ولی او می‌گفت من این کار را برای پیشبرد اهداف انقلابی انجام می‌دهم. حتا موقعی که ممنوع‌الدرس شد سازمان امنیت دستور داده بود که دانشگاه فردوسی حقوقش را بدهد. بعدش هم که آوردنش به تهران مشاور وزیر علوم شد، هیچ کاری هم نمی‌کرد اما حقوق خوبی دریافت می‌کرد همان وقت‌هایی که حرف‌های تند هم می‌زد.

این را هم باید بگویم که من اصولاً با این نوع چپ‌گرایی دینی از اول خیلی بد بودم. چون به نظر من اختلاط حق و باطل بدتر از خود باطل است و منافق در قرآن که این همه منفی است و بعداً نامش را گذاشتند روی مجاهدین خلق به همین آدم‌ها گفته

Prst Std  
 U.S. Postage  
 Paid  
 San Diego, CA  
 Permit No. 2129

BIDARI  
 ایرانی  
 P.O. BOX 22777  
 San Diego CA 92192  
 U.S.A